

موانع موجود در انجام مشاوره ی پیش از ازدواج از دیدگاه دانشجویان مجرد و متأهل دانشگاه شیراز

عالیه فرامرزی^۱، دکتر مسعود حسین چاری^۲

مقدمه

هر مرحله از رشد و تکامل روانی نیازمند شرایطی است که باید فراهم شود و وظایفی است که باید انجام شود تا امکان تداوم رشد در مراحل بعدی میسر گردد. انحراف در هر مرحله ی رشد، به خصوص در مراحل حساس، ممکن است انحرافی جبران ناپذیر در پی داشته باشد. ازدواج و انتخاب همسر نیز یک مرحله و تکلیف رشدی است. وجود فرایند تصمیم‌گیری آگاهانه یا حتی ناآگاهانه مشخصه ی این مرحله است (فرحبخش و عابدی، ۱۳۷۹). در واقع ازدواج یکی از پیچیده‌ترین وظایف بزرگسالی است. باید ازدواج را به عنوان انتقال به مرحله‌ای جدید از زندگی تلقی کرد که مستلزم شکل دادن اهداف، قواعد و ساختارهای خانوادگی متفاوت است (کارتر و مک‌گولدربیک، ۱۹۸۰، به نقل از نوابی‌نژاد و نظری، ۱۳۸۵).

برای اکثر مردم ازدواج کمال مطلوب است، لذا در زندگی خود به دنبال ازدواجی بهتر و سالم هستند. آمارها نشان می‌دهند که میزان ازدواج بنا به دلایلی از جمله بالارفتن سن ازدواج، افزایش افراد ازدواج نکرده، کاهش یافته‌است. از طرف دیگر داشتن شریک جنسی افزایش یافته و میزان طلاق کماکان بالا است (بردرسن و دانکن، ۲۰۰۴، به نقل از ناکانگا، ۲۰۰۶). در حال حاضر نه تنها بسیاری از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد، بلکه طلاق و استرس‌های زناشویی بر سلامت فیزیکی (بورمن و مارچلین، ۱۹۹۲)، آرامش روحی (هالفورد و بوما، ۱۹۹۷)، خلاقیت و فرآوری فرد (فورتفر و مارکمن و کاکس، ۱۹۹۶) اثر منفی دارد (به نقل از استنلی، ۲۰۰۱).

امروزه برای ارتقاء رضایت زناشویی و بهبود روابط همسران، برنامه‌های آموزشی زیادی مانند برنامه‌های آموزشی قبل از ازدواج و مشاوره ی قبل از ازدواج، مخصوص افراد جوان، نوجوانان و دانشجویان (مثلاً آماده‌سازی و ارتقاء روابط، کاربرد عملی مهارت‌های مربوط به روابط صمیمی) وجود دارد. بررسی‌ها نشان داده که برنامه‌های پیشگیرانه‌ی قبل از ازدواج، اطلاعات و دانش افراد را در خصوص محتوای روابط افزایش می‌دهد، تعارضات آتی زناشویی را کاهش می‌دهد و در نتیجه نگرش افراد در مورد داشتن ازدواج موفق در آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (گاردنر و همکاران، ۲۰۰۴، به نقل از ناکانگا، ۲۰۰۶). مشاوره ی قبل از ازدواج می‌تواند همسران را از مشکلات بالقوه آگاه کند و به آن‌ها در برقراری ارتباط و حل مشکلات و تعارضات کمک نماید (لاسول و لاسول، ۱۹۹۱). مشاوره ی قبل از ازدواج با رویکرد راه حل مدار به افراد در ایجاد راه‌حل، ثبات ازدواج و رضایت از زندگی زناشویی کمک می‌کند، که این‌ها خود کیفیت زندگی را افزایش می‌دهند (موری، ۲۰۰۴).

با وجود این، به نظر می‌رسد که جوانان تمایل کمی به مشاوره ی قبل از ازدواج دارند. معلوم شده است که جوانان برای تجارب والدین و تجارب شخصی خود به عنوان منبع اطلاعات در ازدواج ارزش بیشتری قائل هستند (سیلیمن و اسچام، ۲۰۰۴، به نقل از ناکانگا، ۲۰۰۶). افراد جوان و نوجوانان به ندرت در برنامه‌های آموزش و یا مشاوره ی قبل از ازدواج شرکت دارند (ناکانگا، ۲۰۰۶). در حالی که نیاز جامعه به ازدواج‌های مستحکم آن قدر زیاد هست که باید عالمانه عمل کرد و همچنین سعی در کسب دانش و اطلاعات بیشتری داشت (استنلی، ۲۰۰۱).

۱- کارشناس ارشد مشاوره خانواده

۲- عضو هیأت علمی بخش روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

همواره این راهکار مطرح است که پیشگیری بهتر از درمان می‌باشد. پیشگیری از مشکلات روانی و رفتاری در روابط زوجین نیز یکی از این موارد است. یقیناً برای پیشگیری در این امر، راه‌های متعددی وجود دارند که یکی هم مشاوره‌ی قبل از ازدواج است. اما این طریق تا چه اندازه برای افراد شناخته‌شده است؛ افراد تا چه حد مایل به استفاده از این روش هستند؛ چگونه می‌توان افراد را تشویق به استفاده از این طریق کرد؛ و سؤالاتی از این قبیل بستر مناسبی برای پژوهش فراروی محققان فراهم کرده است. بدین سان، پژوهش حاضر بر آن است تا موانع و مشکلات موجود بر سر راه انجام فعالیت‌های مشاوره‌ی قبل از ازدواج را از دیدگاه دانشجویان به بوته‌ی کنکاش سپرده و به ارائه‌ی راهکارهایی در رفع این موانع بپردازد. در این راستا، آزمون این فرضیه مد نظر قرار گرفته است که: «دیدگاه دانشجویان مجرد و متأهل پیرامون موانع احتمالی و راهکارهای کارآمد در رفع موانع انجام مشاوره‌ی قبل از ازدواج، به طور معنی‌دار متفاوت است».

روش

جامعه و نمونه: پژوهش حاضر از نوع تحقیقات زمینه‌یابی است. جامعه‌ی آماری در این تحقیق دانشجویان سال ۸۷-۱۳۸۶ دانشگاه شیراز می‌باشند. نمونه‌ای مشتمل بر ۸۰۵ نفر از دانشجویان (۳۲۰ مذکر و ۴۸۵ مونث؛ و ۵۳۳ مجرد و ۲۷۲ متأهل) که به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب شده بودند، به عنوان مشارکت‌کنندگان در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفتند.

ابزار تحقیق: وسیله‌ی جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته و مشتمل بر ۷۳ سؤال در مورد موانع احتمالی و راهکارهای ممکن برای انجام مشاوره‌ی قبل از ازدواج بود. روایی این ابزار از طریق نظرخواهی از متخصصان و انجام تحلیل عاملی احراز گردید. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۵ بیانگر پایایی مطلوب این ابزار است.

یافته‌ها

جدول ۱: مقایسه موانع و راه‌کارها از دیدگاه دانشجویان مجرد و متأهل

موانع و راهکارها	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معنی‌داری
موانع فرهنگی	مجرد	۵۲۰	۴۰/۳۰	۶/۱۵	-۰/۷۷	N.S.
	متأهل	۲۶۴	۴۰/۶۵	۶/۲۷		
موانع اجتماعی	مجرد	۵۲۱	۳۲/۰۷	۴/۵۸	۰/۲۲	N.S.
	متأهل	۲۶۹	۳۲	۴/۵۲		
موانع تخصصی	مجرد	۵۱۸	۳۲/۷۹	۶/۲۵	۰/۶۵	N.S.
	متأهل	۲۶۲	۳۲/۴۸	۶/۶۹		
موانع اداری	مجرد	۵۱۹	۱۲/۱۳	۲/۷۹	۲	۰/۰۴
	متأهل	۲۶۴	۱۱/۷۲	۲/۵۵		
موانع اقتصادی	مجرد	۵۲۳	۱۰/۶۹	۲/۵۹	-۰/۴۱	N.S.
	متأهل	۲۶۹	۱۰/۷۷	۲/۴۵		
فرهنگی و اجتماعی	مجرد	۵۲۵	۴۶/۴۰	۷/۶۶	-۱/۹۴	۰/۰۵
	متأهل	۲۶۶	۴۷/۵۰	۷/۱۹		
تخصصی	مجرد	۵۲۹	۲۰/۴۰	۳/۹۹	-۱/۴۰	N.S.
	متأهل	۲۶۹	۲۰/۷۸	۲/۷۳		
اداری	مجرد	۵۳۳	۱۰/۹۲	۲/۲۲	-۳/۲۵	۰/۰۱
	متأهل	۲۷۰	۱۱/۴۵	۲/۱۵		
اقتصادی	مجرد	۵۳۲	۸/۴۰	۱/۴۲	-۱/۶۳	N.S.
	متأهل	۲۷۱	۸/۵۶	۱/۲۳		

برای بررسی تفاوت دیدگاه زنان و مردان در خصوص موانع احتمالی و راهکارهای کارآمد در رفع این موانع تفاوت معناداری هست یا خیر، از آزمون آماری t برای گروه‌های مستقل استفاده شد. در چهار زمینه‌ی موانع فرهنگی ($t = -0.77, N.S.$)، اجتماعی ($t = 0.22, N.S.$)، تخصصی ($t = 0.65, N.S.$) و اقتصادی ($t = -0.41, N.S.$) تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مجرد و متأهل مشاهده نشد. اما در زمینه‌ی موانع اداری بین دو گروه مذکور تفاوت‌ها معنی‌دار بود ($t = 2, P < 0.04$). بدین معنا که برداشت افراد مجرد از موانع اداری نسبت به متأهلان در سطح بالاتری قرار می‌گیرد. در جدول ۱ نتایج این تحلیل ارائه شده است.

همچنین از مندرجات جدول شماره ۱ می‌توان استنباط کرد که در رابطه با راهکارهای ارائه شده برای رفع موانع تخصصی ($t = -1.40, N.S.$) و اقتصادی ($t = -1.63, N.S.$) تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. اما در خصوص راهکارهای ارائه شده برای رفع موانع فرهنگی و اجتماعی ($t = 2, P < 0.04$) و اداری ($t = 2, P < 0.04$) تفاوت معنی‌دار بین دو گروه مشاهده شد. به عبارت دیگر افراد متأهل هم در زمینه‌ی اداری و هم در زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی به راهکارهای ارائه‌شده با اطمینان بیشتری موافقت خود را اعلام نموده‌اند.

قابل ذکر است که چون در برخی از سؤالات پرسشنامه جواب‌های ارائه شده مخدوش بود و در مواردی سؤالات بی‌پاسخ مانده بودند، بدین لحاظ در برون‌داد تحلیل‌های آماری تعداد دو گروه متأهل و مجرد در موارد مختلف متفاوت گزارش شده است، که حاصل کنار گذاشتن داده‌های مخدوش در تحلیل‌های مربوطه است. همچنین در قسمت ارائه‌ی راهکارهای پیشنهادی مشابهت زیادی بین راهکارهای رفع موانع فرهنگی و اجتماعی وجود داشت، سؤالات مشترک و مشابه در پرسش نامه حذف و دو مقوله تحت یک عنوان کلی (فرهنگی - اجتماعی) ارائه شده‌اند.

بحث و تفسیر

پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان متأهل و مجرد در مورد موانع احتمالی و نیز برخی راهکارهای پیشنهادی برای رفع این موانع انجام گرفت. نتایج حاصله نشانگر تفاوت معنی‌دار دیدگاه و برداشت دانشجویان مجرد و متأهل در خصوص موانع اداری از بین موانع مطرح‌شده در پرسش نامه و همچنین راهکارهای فرهنگی - اجتماعی و اداری از بین راهکارهای مطرح‌شده در پرسش نامه می‌باشد. در هر سه مورد نیز برداشت افراد مجرد در سطح بالاتری قرار داشت. در سایر موانع و راهکارهای ارائه شده تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مذکور مشاهده نشد.

در تحقیق کاویانی و همکاران (۱۳۸۱) به بررسی موانع موجود بر سر فعالیت‌های مشاوره در مدارس پرداخته شده است. یافته‌های این محققان که نشانگر رابطه‌ی بین عدم شکل‌گیری ساختارهای ذهنی مناسب و عمل کرد معیوب مشاوران بود، با نتایج تحقیق حاضر به خصوص در زمینه موانع تخصصی همسویی دارد. همچنین منعمی مطلق (۱۳۸۵) به بررسی موانع و چالش‌های مشاوره در آموزش و پرورش پرداخته، و دو دسته کلی درون سازمانی و برون سازمانی از موانع و چالش‌ها را مطرح کرده است. اگرچه تحقیق حاضر در گستره‌ای وسیع‌تر انجام گرفت، لیکن هم راستا با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مبنی بر وجود موانع بر سر فعالیت‌های مشاوره‌ای است.

از آن جا که پیشگیری مقدم بر درمان است و مشاوره نوعی پیشگیری است، نتایج این تحقیق به منظور پیشبرد این فعالیت‌های پیشگیرانه قابل توجه است. لازم است مسؤولان ذربط (به ویژه در سطح مراکز مشاوره‌ی دانشجویی) مقدمات استفاده‌ی کاربردی و عملی از نتایج تحقیق حاضر را فراهم آورند.

منابع

- فرحبخش، کیومرث و عابدی، داریوش. (۱۳۷۹). بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. طب و تزکیه: ۳۹، صص ۴۲-۳۴.
- کاویانی، حسین؛ نوری زاده، مریم؛ پورناصح، مهرانگیز و قدس میرحیدری، سیمین. (۱۳۸۱). جایگاه مشاوران مدارس و موانع مشاوره: نقد کیفی. تازه‌های علوم‌شناختی، سال ۴، شماره ۱، صص ۷۴-۶۷.
- نظری، محمدعلی؛ نوابی‌نژاد، شکوه. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر مشاوره راه‌حل محور بر رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل. فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره. شماره ۲۰، صص ۸۰-۵۳.
- منعمی مطلق، آزاده. (۱۳۸۵). بررسی چالش‌های موجود در آموزش و پرورش، چکیده مقالات تازه‌ها و پژوهش‌ها، ص ۴۵.
- Lasswell, M. & Lasswell T. (1991). Marriage and family. 3rd edition. California: Wadsworth Publishing Company.
- Murray, C., E. & Murray, T. L. (2004). Solution-focused premarital counseling: helping couples build a vision for their marriage. Journal of Marital and Family Therapy, 30(3), 349-358.
- Nakanaga, E. (2006). Parents' marital satisfaction and pre-marital education programs for their adult children. College of Human Services and Health Professions. Syracuse University.
- Stanly, S., M. (2001). Making a case for Premarital Education. Family Relations, 50, 272-280.